

حدیث روز:

از امام حسن (ع) سؤال شد: شداد چیست؟ فرمود: پس زدن بدی با خوبی.

واحه:

ز آفتاب مزن گفت وگوی چون سایه ز سایه ذره گیرند همه ضیا خواهد

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۱ غروب آفتاب: ۱۹/۵۷  
اذان مغرب: ۲۰/۱۷ نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۳  
اذان صبح (فردا): ۴/۲۸ طلوع خورشید (فردا): ۶/۰۴

وضعیت

آب و هوای  
امروز

تهران

اهواز

ایلام

بوشهر

تبریز

خرم آباد

شهرکرد

کرمان

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

شاپا: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰  
پایگاه اطلاع رسانی:  
www.jamejamonline.ir  
www.jamejamdaily.ir  
پست الکترونیکی:  
info@jamejamdaily.ir

شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ ۲۵ رمضان ۱۴۴۲ ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۳۲ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday - May 8, 2021

دعای روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان

اللهم اجعلنی فیہ محباً لأولیائک ومعاداً لأعدائک مُشغلاً بِسُنَّةِ خاتم النبیین یا عظیم قلوب التَّبییین.

خدا یا قرار بده در این روز دوست دوستان و دشمن دشمنان و پیرو راه و روش خاتم پیغمبرانت ای نگهدار دلهای پیامبران.

امروز در تاریخ

✎ «مردور حکم آیتا... میرزای شیرازی درباره تحریم تنباکو»  
✎ اعلام رسمی خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ، رئیس جمهوری وقت آمریکا (۱۳۹۷ش)



✎ «در شهری از کشورهای اطراف، مرد جوانی که به نوبه خود همسر زن جوانی بود، پس از پایان کار اداری و خرید مایحتاج روزانه و نان تازه، دقایقی پیش از اذان مغرب به منزل مراجعت کرد و پس از در آوردن و آویزان کردن کت و کلاهش وارد آشپزخانه شد و مشاهده کرد همسرش سفره افطار را که شامل پنیر، کره، مربا و آتش بود روی میز انداخته و هم اکنون در حال درست کردن نیمرو است. مرد جوان از آنجا که خود را مرد شوخ و بذله گویی می دانست و به اجرای استندآپ کمدی نیز علاقه وافری داشت، مشمع زن را روی میز گذاشت و گفت: مراقب باش چه کار می کنی. زن جوان نخست تصور کرد اتفاق غیرمنتظره ای رخ داده است برای همین به اطراف نگاه کرد و پس از آن که فهمید اتفاق غیرمنتظره ای رخ نداده است به همسرش نگاه کرد و گفت: مراقب چی؟ مرد جوان گفت: احتیاط کن احتیاط کن، یک کم کره بیشتر بریز. زن جوان که خودش قصد داشت کره را داخل ماهیتابه بریزد، کره را داخل ماهیتابه ریخت. مرد جوان سراسیمه گفت: زیاد ریختی زیاد ریختی، برش گردون. زن جوان با تعجب به همسرش نگاه کرد. مرد جوان هیجان زده گفت: چه کار داری می کنی؟ مواظلب باش الان می سوزه... برشو کم کن. همش بزَن ته نگیره، بالا بالا زود باش. زن شروع به هم زدن نیمرو کرد. مرد جوان گفت: هیچ وقت به حرفای من گوش نمیدی، حواست کجاست؟ زود باش زود باش همش بزَن. زن باز شروع به هم زدن نیمرو کرد. مرد جوان ناگهان فریاد زد: وای وای، چه کار می کنی، نمک یادت رفت بزنی، فلفل یادت رفت بزنی، نمک، نمک، بجنب زود باش. در این لحظه زن جوان که واقعا اعصابش خرد شده بود، زیر ماهیتابه را خاموش کرد و گفت: چته تو؟ فکر کردی من به نیمروی ساده می تونم درست کنم؟ در این لحظه مرد جوان به سمت همسرش رفت و شانه های وی را گرفت و به آرامی گفت: نه همسر مهربانم. فقط خواستم بدانی در موقع رانندگی چه بلایی سر اعصاب من می آوری. در این لحظه صدای اذان به گوش رسید و زن جوان که می خواست پاسخ دندان شکنی به نمایش جنسیت زده همسرش بدهد، موقتاً از خیر جواب گذشت و هردو با خوبی و خوشی تا اطلاع ثانوی به صرف افطاری پرداختند.»



همیشه امدادرسان

سال ۸۲ که بم لرزید، زینب به عنوان عضو داوطلب هلال احمر، متصدی جمع آوری کمک های مردمی در شهرش شد. آن زمان البته زینب کوچک بود. بعدها که بزرگ تر شد، توانایی هایش هم بیشتر شد. روزگارا اما خواب دیگری برای زینب دیده بود. درست زمانی که او منتظر آخرین امضای استخدام بود، یک نفر دیگر به جای او استخدام شد! همان سال زینب در شهر زادگاهش، خرم آباد در رشته فناوری ارتباطات قبول شد و دوباره به شهرش پایگاه هلال احمر شهرش تماس گرفت و از آنها خواست تا او را به کرمانشاه بفرستند. گروه امداد و نجات شهرستان خرم آباد جزو اولین گروه های امداد و نجاتی بود که به کرمانشاه رسید.

آن زمان که زینب وارد شهرسرپل ذهاب شد، شهر هنوز بحران زده بود. آب، برق و گاز قطع بود و نیروهای امدادی هم در حال آواربرداری و امداد رسانی بودند. او اما نه به عنوان یک نیروی داوطلب هلال احمر که به عنوان یک پزشکیار کنار دست پزشکانی که در منطقه حاضر شده بودند قرار گرفت و به پانسمان و درمان زخمی ها پرداخت. زینب سه، چهار روزی را در کنار رزله زده ها بود. بعد از گذشت تقریباً دو سال از آن رزله، یک صحنه هنوز در ذهنش مانده و با یادآوری آن ناراحت می شود. زینب گفت: «ما یک پیرزن زمینگیر را در میان آوار پیدا کردیم. این مادر تمام اعضای خانواده اش را از دست داده و تنها بازمانده خانواده بود که یک شبانه روز زیر آوار مانده بود. نجات این پیرزن را هرگز فراموش نخواهم کرد.»

روایتی از زندگی زینب توانایی عضو تیم امداد و نجات شهرستان خرم آباد

زندگی روی موج هیجان



لیلا شوقی

جامعه

✎ زینب توانایی، داوطلب آتش نشان و هلال احمر است اما او با دیگر داوطلبان تفاوت هایی دارد. زندگی او در عشق به ارتفاع و هیجان خلاصه شده است. ماجرای زینب ۳۳ ساله، از اوخر سال ۸۱ زمانی که تازه دبیرستانی بود، شروع شد. او تعریف می کند همیشه با دیدن خودروهای آتش نشانی و آمبولانس دلش به تپش می افتاد؛ نه تپش نگرانی که همه دارند، یک عشق و علاقه خاصی به صدای آژیر و رنگ قرمز و سفید این خودروها داشت. تشویق های دوست او که چند سالی در جمعیت هلال احمر به عنوان داوطلب کار می کرده، زینب را ترغیب می کند تا عضو داوطلب هلال احمر شود و دوره های کمک های اولیه و امداد رسانی را بگذراند.

اولین زن آتش نشان شهر

همه اهالی دزفول آن روزی را که یک دختر جوان در مانور آتش نشانی، در میان زمین و آسمان آویزان بود و در زمان پایین آمدن ناگهان یکی از طناب هایش پاره شد را به یاد دارند. آن روز همه حاضران در مراسم از جمله شهردار شهر، نفس در سینه حبس کردند. از روی صندلی ها بلند شدند و با نگاه نگران به دختری که در حال سقوط بود خیره شدند. دختر اما باکش نبود. با یک طنابی که هنوز به آن آویزان بود، تعادلش را حفظ کرد و از روی پل و با یک طناب، شر خورد و به سلامت پایش را روی زمین گذاشت. صدای سوت و تشویق مردم، تمام شهر را پر کرد. برای آنها، فیلم های اکشن

فاتح دماوند

زینب در یک شهر کوچک زندگی می کند و در همان ابتدا هم خانواده اش همراه و موافق فعالیت های او نبودند. زمانی که او کار صخره نوردی را شروع کرد، مادرش اجازه صخره نوردی را به او نداد. نگرانی مادرانه از وقوع حادثه ای دلیل این نارضایتی بود. زینب ولی دل مادر را نرم کرد. به او عکس ها و فیلم هایی را نشان داد و توضیح داد که صخره نوردی و کوهنوردی ایمن ترین ورزش ها در جهان هستند. او به مادرش گفت که با تبحر در این رشته می تواند به دیگران کمک کرده و در سوانح، با حضورش برای دیگران مفید باشد. همین شد که مادر موافقت کرده و همراه و همیار او شد. در تمام لحظاتی که زینب از در و دیوار بالا می رفت و به دیگران کمک می کرد، پدر پشت او بود و با نگاه مهربانش از او حمایت کرد. زینب عاشق ارتفاع و هیجان است و بلندترین ارتفاعی را

هم که فتح کرده، قله دماوند، بلندترین قله ایران است. به جز اینها او از ساختمان ۲۵ طبقه هم بالا رفته است. درست است که کار با طناب و چکش و بالا رفتن از کوه، صخره و ساختمان های بلند هیجان انگیز و جذاب است اما رعایت ایمنی در صخره ها و کوه ها است که باعث هیجان انگیزتر شدن این ورزش شده است. رعایت ایمنی از نظر زینب، مهم ترین بخش صخره نوردی و کوهنوردی است. از نظر او فتح قله های بلند، با همین رعایت ایمنی است که امکان پذیر است؛ اتفاقی که هر کوهنورد باید به آن توجه و آن را رعایت کند. عوارض مانند در ارتفاع اما زیاد است. بیش از یک ساعت مانند در ارتفاع، سرگیجه، سردرد، افت فشار و قند خون، بیهوشی و حتی رفتن به کما را به همراه دارد. به اضافه این که آویزان ماندن از طناب باعث کوفتگی هم می شود. زینب همه اصول ایمنی را رعایت می کند و مراقب است دچار این عوارض نشود. رکورد او یک ساعت و نیم تا یک ساعت و ۴۰ دقیقه در ارتفاع ماندن است.

فیدل کاسترو وارد ایران شد

فیدل کاسترو، رهبر کوبا شب گذشته پس از یک دیدار دو روزه از الجزایر وارد تهران شد. این سفر به منظور تجدید روابط و افزایش همکاری های دو جانبه صورت می گیرد. به گفته سخنگوی وزارت خارجه، تهران و هاوانا راه های گسترش همکاری میان خود، مسائل مهم بین الملل و شیوه های پیشبرد گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد را بررسی خواهند کرد. (صفحه یک)

واکنش شورای نگهبان

به نظرات درباره رد صلاحیت ها

شورای نگهبان از برخی اظهار نظر ها درباره انتساب رد صلاحیت تعدادی از داوطلبان انتخابات میان دوره ای ششمین دوره مجلس به این شورا، ابراز تاسف کرد و آن را ناشی از دوری ها و اظهار نظر های ناآگاهانه و بعضاً مغرضانه دانست. به گزارش روابط عمومی شورای نگهبان این شورا در جلسه روز چهارشنبه که به ریاست آیتا... جنتی برگزار شد، این گونه اظهار نظر ها را سبب مشوش کردن اذهان عمومی و تخریب افکار عمومی دانست. (صفحه ۲)

«باران» ایرانی در آمریکا

فیلم «باران» ساخته مجید مجیدی یکی از مطرح ترین فیلم های نوزدهمین جشنواره فجر بود که منتقدان سینما نیز آن را به عنوان فیلم ویژه خود انتخاب کردند اما از اکران این فیلم در سینماهای ایران هنوز خبری نیست. رنگ خدا و بچه های آسمان T دو فیلم قبلی مجیدی که در سال های گذشته در آمریکا اکران شده بودند از فروش نسبتاً خوبی برخوردار بوده و شنیده ها حاکی است که مجیدی اواخر اردیبهشت برای عرضه باران به چند شرکت آمریکایی به این کشور سفر خواهد کرد. باران قصه دختر نوجوان افغانستانی است که برای تأمین مخارج زندگی خانواده خود مجبور است در قالب پسر کار کند. (صفحه ۳)



قربانیان یکشنبه تلخ ساری

براساس آخرین خبرهای رسیده از سانحه فروریختن ورزشگاه ساری تاکنون دو نفر کشته و ۲۸۶ نفر زخمی شده اند. به دنبال برگزاری مسابقه فوتبال از سری رقابت های جام حذفی که یکشنبه هفته جاری در شهرستان ساری برگزار شد بیش از ۲۰ هزار تماشاگر با حضور در ورزشگاهی که ظرفیت آن ده هزار نفر بود به تماشای این دیدار پرداختند. با توجه به حضور تماشاگران در قسمت فوقانی ورزشگاه در یک لحظه سقف فرو ریخت و در قسمت پایین که محل حضور خبرنگاران بود صدها نفر به پایین سقوط کردند. در این حادثه عبدا... کیانی و علی اکبر فرجی جان باختند و ۲۸۴ نفر نیز مجروح و به بیمارستان اعزام شدند. (صفحه ۱۴)